



وزارت تحصیلات عالی ا.ا.ا
مؤسسه تحصیلات عالی جهان
معاونیت امور علمی
پوهنځی شرعیات
کمیته تحقیقات علمی



کنفرانس علمی:

بررسی جهالت روای در روایت حدیث

ارایه: استاد سلیمان مرادی، رئیس پوهنځی شرعیات

بیان مسأله تحقیق

از مسایل مهمهٔ حال روات احادیث، مبحث راوی مجهول میباشد؛ زیرا محدثین راویان را از جهت شناخت و عدم شناخت آنان به راوی معروف و غیر معروف تقسیم کرده‌اند و جهالت و عدم معرفت راوی از لحاظ اسم یا وصف در صحت و عدم صحت حدیث مؤثر میباشد و در پی آن در استنباط حکم شرعی که یکی از مهمترین مقاصد نصوص میباشد، نیز اثر میگذارد؛ پس بنا بر این آگاهی از ماهیت، انواع و احکام آن حتمی بوده و برعکس عدم آگاهی از اصول و قواعد آن سبب وقوع در خطا در استناد به روایت میگردد، ازینرو سوال پیش میاید که جهالت راوی چیست و حکم آن چگونه میباشد؟ این تحقیق مختصر در صدد آن است که پیروامون این پرسشها پاسخ دهد.

پیشینه تحقیق

پیشینه بررسی از حال روات از جهت جهالت و معروفیت آنان، برمیگردد به آغاز پژوهش در خصوص رجال احادی. همچنان این موضوع در کتب علوم الحدیث به بحث گرفته شده است؛ از جمله:

در کتاب تدریب الروای فی شرح تقریب النوای از علامه جلال الدین سیوطی رحمه الله، در جزء اول از آغاز صفحه ۳۷۱ موضوع راوی مجهول به بررسی گرفته شده؛ اقسام، احکام و نظریات علما شرح گردیده است.

در کتاب فتح المغیث از علامه سخاوی رحمه الله، جزء دوم، صفحه ۴۶ تحت عنوان الاختلاف فی المجهول نظم الفیة عراقی آورده شده و بر آن شرح صورت گرفته است؛ قسمی که مجهول از لحاظ حکم به سه قسم تقسیم شده است: ۱- مجهول العین ۲- مجهول حال باطناً و ظاهراً ۳- مجهول عدالت و سپس حکم هر کدام با نقل اختلاف علما بیان شده است.

همچنان علامه ابن حجر عسقلانی رحمه الله در نزهة النظر مبحث جهالت به راوی را تحت عنوان از سبب نهم از اسباب طعن به راوی آورده و روی آن بحث کرده است.

در خصوص موضوع تحقیقات جدید هم صورت گرفته است از جمله:

جهالة الراوی عند علماء الحدیث وابن حزم الأندلسی که توسط ا. محمد موسی نمر اسلیمیه و ا. عبد السلام عطوة الفندی تحقیق شده که در مجلة جامعة القدس المفتوحة للبحوث الإنسانية به نشر رسیده است. در این پژوهش مبحث جهالت راوی با جنبه تطبیقی آن بر کتب محلی ابن حزم به بررسی گرفته شده است.

از آنجا که مبحث جهالت در منابع علوم الحدیث به عربی مورد بحث قرار گرفته است، این پژوهش تلاش نموده در روشنایی آثار گذشته مبحث جهالت راوی را بصورت مختصر و به زبان فارسی از لحاظ ماهیت و احکام به بحث بگیرد.

پرسشهای تحقیق

- جهالت راوی عبارت از چیست؟
- جهالت راوی به چند قسم است؟
- حکم روایت مجتهول نزد علمای حدیث چیست؟

اهداف تحقیق

- توضیح ماهیت جهالت راوی
- تبیین اقسام جهالت راوی
- بیان حکم روایت مجهول از نظر علما.

اهداف تحقیق

این تحقیق به شیوه تحلیلی - توصیفی صورت گرفته و جهت گردآوری داده‌ها از منابع معتبر علوم الحدیث استفاده صورت گرفته است.

تعریف جهالت روای

جهالت در نزد محدثین یک اصطلاحی شناخته شده بوده که برمیگردد به عدم معروفیت روای و تعریفات مختلفی پیرامون آن شده است که مشهورترین آن را ذکر مینماییم.

در نزهة النظر آمده است که: «والمراد بجهالة الراوي عند المحدثين هو: أن لا يُعْرَفَ فِيهِ تَعْدِيلٌ وَلَا تَجْرِيحٌ مُعَيَّنٌ.» (ابن حجر، ص ۸۸، ط ۱۴۲۱ق). مراد به جهالت روای نزد محدثین اینست که در مورد روای تعدیل و تجریح مشخصی دانسته نشده است.

خطیب بغدادی رحمه الله میفرماید: مجهول نزد اصحاب حدیث، عبارت از هر آنکه است که نه به طلب علم مشهور بوده، نه هم علما او را میشناسند و حدیثش شناخته نشود مگر از جهت یک روای؛ مانند: عمرو ذی مر، جبار طائی و عبد الله بن أغر همدانی. (خطیب بغدادی، ص ۸۸، ب.ط).

اسباب جهالت روای

اول: اینکه صفات و القاب راوی بسیار میباشد؛ از قبیل: اسم، کنیه، لقب، صفت، حرفه، نسب... اینجاست که راوی به یکی از اینها مشهور میباشد؛ اما در روایت به غیر آنچه بیان گردید، بنا بر اهداف و اغراضی مشهور میشود و ازینرو گمان میشود که این شخص دیگری است و اینگونه جهالت به میان میاید.

دوم: اینکه راوی مُقلّ میباشد یعنی بسیار اندک حدیث داشته و روایت از وی کم میباشد (ابن حجر، ص ۹۹، ط ۱۴۲۱ق).

اقسام مجهول

مجهول العین: مجهول العین کسی است که نه به طلب علم مشهور بوده، نه هم علما او را میشناسند و حدیثش شناخته نشود مگر از جهت یک راوی (خطیب بغدادی، ص ۸۸، ب.ط). و اقل آنچه که توسط آن جهالت رفع میشود، اینست که از همان راوی دو شخص یا بیشتر از مشهورین در علم روایت بکنند و این اصل را خطیب بغدادی قید نموده و ابن صلاح همچنان متابعت کرده است.

مجهول الحال: مجهول الحال کسی است که از وی دو یا بیشتر از دو شخص روایت کرده باشند؛ اما عدالت باطنی و ظاهری اش مجهول باشد (سایت اسلام ویب: <http://articles.islamweb.net>).

حاصل اینکه با روایت دو یا بیشتر از دو جهالت عین برطرف میگردد؛ اما جهالت حال باقی میماند.

مستور: شخصی است که در قسمت وی جرح و تعدیلی نقل نگردیده و یا اگر هر دو نقل گردیده باشد، اما یکی بر دیگری ترجیح نیافته باشد (سخاوی، ۱/۸۸ / ط ۱۴۲۴ق).

حکم روایت مجهول العین

- صحیح و مذهب اکثر علما و امامان حدیث این است که روایت مجهول العین مردود است.

- برخی بر این نظر اند که روایت مجهول العین مطلقاً پذیرفته میشود و این قول کسانی است که برای راوی بالاتر از اسلام شرط دیگری نمیگذارند.

- برخی دیگر هم بر این رأی اند که: اگر به روایت از مجهول کسانی تفرد کنند که عادت روایت ندارند مگر از عدول؛ مانند ابن مهدی و یحیی بن سعید و ما هم به تعدیل یکی از اینها اکتفا نماییم، باز این روایت مورد قبول میباشد.

- نظر دیگر هم این است که اگر بدون علم، به زهد و شجاعت مشهور باشد، روایتش پذیرفته میشود و این نظر را ابن عبد البر رحمه الله نیز گزیده است.

- مذهب ابو الحسن بن القطان و برخی دیگر اینست که اگر یکی از ایمة جرح و تعدیل این شخص را تزکیه نمایند به همراه روایت یکی از ایشان از همان مجهول، در این صورت پذیرفته میشود و در غیر آن نمیشود (تدریب الراوی،

حکم روایت مجهول الحال

نظر جمهور علما اینست که قبول نمیشود.

برخی آن را مطلقاً پذیرفته اند.

عدۀ دیگری از علما میگویند که: اگر در میان راویان از این مجهول الحال کسی باشد که عادت روایت ندارند مگر از عدول، در این صورت پذیرفته میشود و در غیر آن نمیشود (تدریب الراوی، ۱/۳۷۱، ب ط).

ابن صلاح رحمه الله در مقدمه‌اش تبیین میدارد که مجهول العدالة از حیث ظاهر و باطن (یعنی معروف العین و مجهول الحال) روایتش نزد جمهور غیر قابل قبول میباشد (ابن صلاح، ص ۱۱۱، ط ۱۴۰۶).

حکم روایت مستور

ابن صلاح رحمه الله میفرماید که: مجهولی که عدالت باطنش نامعلوم بوده و از حیث ظاهر معلوم باشد، روایت این شخص نزد جمهور و امام شافعی مردود است؛ اما نزد امام ابوحنیفه و همچنان برخی شافعیه مانند امام سلیم بن ایوب رازی پذیرفته میشود. استدلالشان اینست که مبنای پذیرش اخبار بر حسن ظن بر راوی استوار میباشد.

ابن صلاح تعلیق میکند که: تقریباً عمل به این نظر در بسیاری کتب مشهور حدیثی غالباً در خصوص روایاتی است که قرون متمادی از ایشان گذشته و آگاهی پیرامون عدالت باطنی شان متعذر گشته است (ابن صلاح، ص ۱۱۱، ط ۱۴۰۶).

نمونه‌هایی از جهالت روای

❖ حدیثی که ابو العلاء بن عبد الله بن الشخیر از دو شخص روایت میکند که این دو از شداد بن اوس روایت میکنند... و حدیث «اللهم اني أسألك الثبات في الأمر» را ذکر میکند.

چنانچه میبینم همان دو شخص که به لفظ «رجلین» آمده، مجهول اند و اینگونه این جهالت سند حدیث را به ضعف مواجه میسازد (أبو الأشبال، الشاملة، ب ط).

❖ محمد بن السائب بن بشر الکلبی، برخی وی را به پدرکلانش نسبت داده‌اند و محمد بن بشر گفته‌اند و برخی هم محمد بن السائب و همچنان در خصوص کنیه وی اختلاف است؛ برخی کنیه وی را أبو النضر و برخی هم أبو سعید و أبو هشام بیان کرده‌اند

❖ أبو العشاء الدارمی از تابعین، که جهالت وی به سبب قلت روایت از وی میباشد؛ طوری که غیر از حماد بن سلمة کس دیگری از وی روایت ندارد.

❖ قول روای: أخیری فلان، أخیرنی شیخ أو رجل... (طحان، ص ۱۴۹ / ط ۱۴۲۵ ق).

یافته‌های تحقیق

- ✓ جهالت راوی از اسباب طعن در راوی بوده و سبب ضعف درسند می‌گردد و در نتیجه در استنباط یا عدم حکم از آن اثر می‌گذارد.
- ✓ مبحث جهالت راوی از گذشته‌ها بدینسو مورد توجه محدثین بوده و در خصوص آن نظریات و دیدگاه‌هایی ارائه داده‌اند.
- ✓ جهالت در نزد محدثین یک اصطلاحی شناخته شده بوده که برمیگردد به عدم مشهور بودن راوی.
- ✓ اسباب اصلی جهالت راوی برمیگردد به: کثرت القاب و اوصاف راوی و یا هم قلت روایت.
- ✓ مجهول العین کسی است که نه به طلب علم مشهور بوده و نه هم علما او را می‌شناسند و حدیثش شناخته نشود مگر از جهت یک راوی و حکم روایت آن نزد جمهور مردود بودن است و برخی با وضع برخی شروط آن را قبول نموده‌اند.
- ✓ مجهول الحال کسی است که از وی دو یا بیشتر از دو شخص روایت کرده باشند؛ اما عدالت باطنی و ظاهری‌اش مجهول باشد و روایت آن را جمهور مردود شمرده‌اند، برخی هم مطلقاً پذیرفته و برخی هم با وضع شروطی قبول دانسته‌اند.
- ✓ مستور کسی است که اسم، شخص و چیزی از اخبارش معروف است؛ اما باطن حالش معروف نباشد و یا ضبط روایاتش دقیق مشخص نبوده و یا هم متفرد باشد. و بیشتر علمایی که روایت مجهول الحال را رد می‌کرده‌اند، روایت مستور را قبول شمرده‌اند.

مناقشه

➤ در خصوص مجهول العین باید گفت که: نظریهٔ آنانی که برحسب حُسن روایت ایشان را میپذیرد، ضعیف و شاذ است؛ زیرا که اساس روایات بر تعدیل روای و شهرت علمی وی میباشد؛ اما آنانی که برخی شروط وضع کردند؛ مثل روایت اعلام جرح و تعدیل از ایشان و یا تزکیهٔ مجهول توسط این اکابر... مقداری موجه‌تر میباشد.

➤ همچنان در بارهٔ مجهول الحال باید گفت که: نظریهٔ آنانی که روایات آن را مطلقاً میپذیرند، مورد نقد است؛ اما آنانی که برخی شروط وضع کردند، نظرشان مقداری توجیه میباشد؛ هرچند نزد جمهور پذیرفته نمیشود.

➤ پیرامون روایت مستور هرچند جمهور رد کرده‌اند و برخی پذیرفته‌اند؛ اما به هر حال در خصوص احکام شرعی باید احتیاط شود و در خصوص سایر اخبار توسع است.

پیشنهادات

- ✓ قبول روایت احادیث مبنی بر معرفت روات و معلوم بودن هویت و حال شان میباشد، بنا بر این در خصوص روایت و نقل حدیث در سند آن باید توجه کرد.
- ✓ در خصوص روایاتی که از مجاهیل نقل اند و در برخی کتب؛ بخصوص کتب روایی اهل بدعت تدوین شده‌اند، باید اجتناب کرده و در زمینه برای عموم مردم اهل مطالعه آگاهی‌دهی شود، تا در هرجا و بخصوص در شبکه‌های اجتماعی از هر منبعی روایات را دست‌به‌دست نکنند.
- ✓ مبحث جهالت راوی از مباحث مهم حدیثی است که باید طلاب علوم شرعی در فراگیری آن سعی نهایی از خود به خرج دهند.
- ✓ احکام و اصول وضع‌شده در تعریف و تقسیم انواع جهالت راوی، روش و قواعد بسیار خوبی در نقل اخبار مهم و سخنان سرنوشت‌ساز میباشد که رعایت آن در همه ابعاد زندگی سودمند خواهد بود.

مهمترین مآخذ و منابع

١. ابن حجر العسقلاني، احمد بن على، نزهة النظر في توضيح نخبة الفكر في مصطلح أهل الأثر، دمشق، مطبعة الصباح، ١٤٢١ هـ.
٢. ابن صلاح، عثمان بن عبد الرحمن، معرفة أنواع علوم الحديث، دار الفكر - سوريا، دار الفكر المعاصر - بيروت، ١٤٠٦ هـ.
٣. ابو الأشبال، حسن الزهيري، دورة تدريبية في مصطلح الحديث، المكتبة الشاملة.
٤. ابو شهبة، محمد بن محمد بن سويلم، الوسيط في علوم الحديث، دار الفكر العربي، ب.ط.
٥. امير صنعاني، محمد بن إسماعيل، توضيح الأفكار لمعاني تنقيح الأنظار، المدينة المنورة، مكتبة السلفية.
٦. خطيب البغدادي، احمد بن على، الكفاية في علم الرواية، المدينة المنورة، المكتبة العلمية، ب.ط.
٧. سخاوى، محمد بن عبد الرحمن، فتح المغيث بشرح ألفية الحديث للعراقي، مصر، مكتبة السنة، ١٤٢٤ ق.
٨. سيوطى، جلال الدين عبد الرحمن بن أبى بكر، تدريب الراوي في شرح تقريب النواوي، دار طيبة، ب.ط.
٩. طحان، محمود بن أحمد، تيسير مصطلح الحديث، مكتبة المعارف للنشر والتوزيع، ١٤٢٥ ق.
١٠. مجموعة من المؤلفين، مجموع رسائل في علوم الحديث، دار الكتب العلمية، ب.ط.